

دلایل و موانع اجابت دعا

فرج الله میرعرب*

درآمد

دعا، از جمله عبادات مهم اسلامی است که نقش کلیدی، در رشد و سعادت انسان ایفا می‌کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۱ و گفت پروردگارتان: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. همانا کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به‌زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.»

ماه مبارک رمضان، ماه تلاوت قرآن و ماه دعاست. «قرآن»، در این ماه شریف نازل شده و بزرگان، این کتاب آسمانی را «قرآن نازل» می‌نامند؛ ولی از دعا که در این ماه بسیار به آن سفارش شده، به نام «قرآن صاعد» یاد شده است. خدا خواسته که او را صدا بزنیم و وعده

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. غافر، آیه ۶۰.

داده که جواب می‌دهد: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ». همچنین قرآن تأکید کرده: ای مردم! بدانید که خود پروردگارتان گفته که دعا کنید؛ «وَقَالَ رَبُّكُمْ» پس، خداوند دعا و اظهار نیاز بندگان به درگاه خویش را خیلی دوست دارد. در آیه مزبور، دعا عبادت محسوب شده، خدای متعال نفرت خود را از کسانی که او را نمی‌خوانند، به روشنی ابراز کرده: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ».

از این آیه دانسته می‌شود که دعا، عبادت و رسم بندگی است.

چیستی دعا

دعا در لغت، به معنای ندا و صدازدن است.^۱ از کلام علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۸۶ بقره برمی‌آید: دعا، تلاش برای جلب توجه کسی است که او را می‌خوانیم؛^۲ یعنی اگر ما خدا را می‌خوانیم، می‌خواهیم توجه او را به خود جلب کنیم. به نظر علامه، در کنار دعا، گدایی هم هست؛ یعنی خدا را صدا می‌زنی تا به تو توجه کند. وقتی توجه او جلب شد، حاجت را می‌گویی تا برآورده شود و خیر او به تو برسد.^۳

از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، دعا «درخواست فراهم‌شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون است؛ آن هم از کسی که قدرتش بی‌پایان، و هر امری برای او آسان است. دعا، پیوند نزدیک قلب و روح با خداست و دعاکننده با اتصال معنوی با آن مبدأ بزرگ قدرت می‌یابد. در دعا، درخواست نباید تنها از زبان انسان صادر شود؛ بلکه باید از تمام وجود دعاکننده برخیزد».^۴

جایگاه و نقش دعا در زندگی انسان

دعا، آثار روانی، اجتماعی و معنوی داشته، عاملی بسیار قوی برای امیدواری انسان برای ادامه زندگی است. آدمی برای تقویت اراده و برطرف‌کردن ناراحتی‌ها، به تکیه‌گاه و عاملی آرامش‌بخش نیاز دارد؛ یعنی همان چیزی که چراغ امید را در دل انسان روشن می‌سازد.

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۱۵، واژه «دعو».

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۱.

۳. همان.

۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۲.

برخی تصور کردند که دعا سبب تنبلی می‌شود؛ اما حقیقت این است که «یک نوع کسب قابلیت برای تحصیل سهم زیادتر از فیض بی‌پایان پروردگار است؛ به عبارت دیگر، انسان به وسیله دعا توجه و شایستگی بیشتری برای درک فیض خداوند پیدا می‌کند.»^۱ به همین دلیل، قرآن کریم تأکید می‌کند: «قُلْ مَا يَعْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاءُكُمْ؛^۲ ای پیامبر! به مردم بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ توجه و نظری به شما نمی‌کند.»

اگر انسان که از خود چیزی ندارد، اهل دعا نباشد، چه باید بکند؟ خداوند از سر مهر و لطف، دعا را به بشر عنایت کرده و انسان، به‌جز دعا و تضرع، مالک هیچ چیز نیست. امیر مؤمنان علیه السلام در دعای کمیل عرضه می‌دارد: «إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ؛ کسی را که غیر از دعا چیزی ندارد، ببخش.»

خدا دعا را داد و اجابتش را نیز ضمانت کرده: «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ؛^۳ هرگاه بندگانم درباره من از تو سؤال کردند و سراغ مرا گرفتند، من نزدیکم [و] دعای دعاکننده را پاسخ می‌دهم.» پس، دعا کنیم و خدا را کنار خود ببینیم.

بی‌دعا، زندگی لذتی ندارد. الکسیس کارل گفته: «فقدان نیایش در میان ملتی، برابر با سقوط آن ملت است! اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است، معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهد بود. البته نباید این مطلب را فراموش کرد که تنها صحیح نیایش کردن و بقیه روز همچون یک وحشی به‌سربردن بیهوده است. باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال، با توجه بود تا اثر عمیق خود را در انسان از دست ندهد.»^۴

الکسیس کارل می‌افزاید: «نیایش، در همین حال که آرامش را پدید آورده است، در فعالیت‌های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاهی روح فهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند.»^۵

۱. همان، ص ۶۴۱.

۲. فرقان، آیه ۷۷.

۳. بقره، آیه ۱۸۶.

۴. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۰.

۵. همان، ص ۶۴۱.

از نگاه او: «نیایش، خصال خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می‌دهد؛ صفای نگاه، متانت رفتار، انبساط و شادی درونی، چهره پُر از یقین، استعداد هدایت و نیز استقبال از حوادث.»^۱

به نظر او، دعا سبب قدرتی می‌شود که تحت این قدرت، حتی مردم عقب‌مانده و کم‌استعداد می‌توانند نیروی عقلی و اخلاقی خویش را بهتر به کار بندند و از آن بیشتر بهره گیرند.^۲

در احادیث معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از دعا به «سلاح و سپر» تعبیر شده است. «سلاح»، وسیله رسیدن به مقصود (جلب منفعت و دفع ضرر) و «سپر»، وسیله حفاظت در برابر خطرات و بلاهاست. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدِيرُ أَرْزَاقَكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! قَالَ: تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ؛^۳ آیا اسلحه‌ای را به شما معرفی کنم که هم شما را از شر دشمنان نجات می‌دهد و هم روزیتان را زیاد می‌نماید؟ گفتند: بله، ای رسول خدا! آن‌گاه حضرت فرمود: پروردگارتان را در شب و روز بخوانید و دعا کنید؛ چون دعا، اسلحه مؤمن است.» علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرمود: «الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَمَتَى تَكَثَّرَ قَرَعَ الْبَابَ يَفْتَحُ لَكَ؛^۴ دعا، سپر مؤمن است. اگر باب رحمت الهی را زیاد بکوبی [و ناامید نشوی، عاقبت] آن در، به رویت گشوده خواهد شد.»

نکته مهم این است که نیاز انسان، دائمی است و همیشه خطر او را تهدید می‌کند؛ خطر مریضی‌ها، شکست‌ها، برهم خوردن زندگی و... به همین دلیل، همیشه به سلاح و سپر نیاز دارد. نه تنها افراد گرفتار، بلکه کسی هم که در ظاهر هیچ مشکلی ندارد، سخت محتاج دعاست تا از بلا و مصیبت در امان بماند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَا مِنْ أَحَدٍ إِبْتَلَى وَإِنْ عَظُمَتْ بَلَاؤُهُ بِأَحَقِّ بِالْدُّعَاءِ مِنَ الْمُعَافَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ مِنَ الْبَلَاءِ؛^۵ مبادا کسی که فعلاً بلائی به او

۱. همان.

۲. همان.

۳. ابن فهد حلی، الرسالة السعدیه، ص ۱۲۸.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

۵. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۱۲.

مجلس نوزدهم: دلایل و موانع اجابت دعا ■ ۲۴۷

روی نیاورده و در عافیت زندگی می‌کند، ولی در آینده از آن در امان نیست، گمان کند که انسان گرفتار، هرچند گرفتاریش بزرگ باشد، بیشتر از او به دعا نیازمند است.»
پس، هر فردی به دعا نیاز دارد؛ چه آن‌که در عافیت است و چه آن‌کس که مبتلاست. دومی برای رفع بلا، و اولی برای جلوگیری از نزول بلا. علاوه بر این، رابطه با خدا از هر چیزی لذت‌بخش‌تر است. انسان به وسیله دعا، توجه تازه‌ای به ذات خداوند پیدا می‌کند. خدای متعال بسیار دوستانه و عاطفی به ما پیغام داده: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي»^۱ از این پیام می‌فهمیم خداوند بزرگ چقدر مشتاق شنیدن صدای دعای بندگان است. یکی از یاران امام صادق علیه السلام از حضرت پرسید: دو نفر با هم وارد مسجد شدند؛ یکی نماز بیشتری به‌جا آورد و دیگری بیشتر دعا کرد. کدام‌یک برتر است؟ فرمود: هر دو خوب‌اند. سؤال‌کننده پرسید: می‌دانم، ولی کدام خوب‌تر است؟

امام علیه السلام فرمود: «أَكْثَرُهُمَا دُعَاءٌ؛ أَنْ كَسَّ كَيْفَ بَشَرٍ دَعَاكَ، بَرْتَرُ اسْتَجَابَ» مگر کلام خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۲ امام در پایان افزود: «هِيَ الْعِبَادَةُ الْكُبْرَى؛ دَعَا، بَزْرَگ‌تَرِینِ عِبَادَتِ اسْت.»^۳

گاهی ارتباط به جایی می‌رسد که چون خدا از دعای بنده خوشش می‌آید، اجابت را به تأخیر می‌اندازد تا اصرار بنده‌اش را ببیند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّائِلَ اللَّوْحُحَ»^۴ خداوند، دعاکننده مصرّ و سمج را دوست دارد.

اهمیت شناخت خود و خدا پیش از دعا

آیا دیده‌اید که کسی از شخص ناشناسی درخواست مهمی کند؟ همچنین آیا کسی از انسانی که ناتوان است، کمک می‌خواهد؟ از طرف دیگر، آیا کسی که نمی‌داند چه چیزی نیاز دارد، درخواستی می‌کند؟

۱. غافر، آیه ۶۰.

۲. همان.

۳. عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور‌التقلین، ج ۴، ص ۵۲۸.

۴. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۱۴۳.

از این رو، پیش از دعا به درگاه خدا، باید خود و نیازهای خویش را بشناسیم و به خدا و داشته‌ها و توانایی‌های او شناخت پیدا کنیم.

وقتی به سوره حمد که روزانه آن را ده بار می‌خوانیم توجه کنیم، می‌بینیم که دعا و آداب آن چگونه است. این سوره، روش صحیح دعا را یاد می‌دهد. اگرچه سوره حمد در نماز باید به قصد قرآن قرائت شود، ولی خداوند دو آیه آخر این سوره را به صورت دعا آورده و مقدمات لازم برای دعا را به ما آموخته است؛ چنان‌که اول با اسم و صفاتش شروع می‌کنیم، بعد حمد و ستایش او، سپس قدرت و مالکیت او، و در آیه پنجم اظهار بندگی و توحید خالص، و در نهایت دعا می‌کنیم: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»^۱

همچنین قرآن کریم فرموده: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۲ خداوند از ما می‌خواهد که او را در حالی بخوانیم که اعتقادات و دین ما خالص باشد.

بنابراین، کسی که مقام خدای متعال و ضعف و نیازمندی خود را بشناسد، آن وقت دعا کند، شایسته اجابت است. به همین دلیل، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ»^۳ دعای حقیقی، پس از آن است که بنده می‌داند نیازمند است و اینکه چه کسی می‌تواند نیاز او را برآورد. اگر شناخت کافی نباشد، بنده نمی‌داند که خدا می‌تواند نیاز او را برآورد. نبود معرفت سبب می‌شود که نماز بخوانیم، اما بدون دعا و اظهار نیاز، دنبال دنیا برویم. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فَقَامَ لِحَاجَتِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَمَا يَعْلَمُ عَبْدِي إِيَّيَّ إِنَّا اللَّهُ الَّذِي أَقْضَى الْحَوَائِجَ؟^۴ اگر بنده‌ای عجله کند و به دنبال نیازش برخیزد، خداوند تبارک و تعالی می‌گوید: آیا بنده‌ام نمی‌داند که من باید نیازها را برآورم؟»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «إِذَا اسْتَعَجَلَ الْعَبْدُ فِي صَلَاتِهِ يَقُولُ سُبْحَانَ: اسْتَعَجَلَ عَبْدِي أَيْرَاهُ يَطُنُّ أَنَّ حَوَائِجَهُ بِيَدِ غَيْرِي؟^۵ هرگاه بنده در نمازش عجله کند، خداوند سبحان می‌گوید: بنده‌ام عجله به خرج داد. آیا گمان می‌کند رفع نیازهایش در دست غیر من است؟»

۱. حمد، آیه ۶ - ۷.

۲. غافر، آیه ۱۴.

۳. ملا محسن فیض کاشانی، *محجة البيضاء*، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۷۴.

۵. ابن فهد حلی، *عدة الداعی*، ص ۱۴۱.

نکته دیگر اینکه بنده با معرفت، دعاکردنش سنجیده و دقیق است. سید بن طاووس در داستانی آورده:

عده‌ای مسافر کشتی بودند. ناگاه دچار طوفان شده، جانشان به خطر می‌افتد و از نجات خود ناتوان می‌شوند. شخصی همسفرشان بود که به دین‌داری و قوت‌یقین او، آگاه و مطمئن بودند. از وی خواهش کردند برای نجاتشان دعا کند. گفت: من با خدا در حوزه قدرتش معارضه نمی‌کنم. اصرار کردند که وقت نیاز است و باید با دعا و شفاعت به داد ما برسی؛ وگرنه دین و جانمان تباه خواهد شد. مرد نگاهی به امواج خروشان دریا افکند و گفت: «اللَّهُمَّ قَدْ أَرَيْتَنَا قُدْرَتَكَ فَأَرِنَا عَفْوَكَ»؛ پروردگارا! قدرتت را نشانمان دادی. بخشایشت را هم به ما بنمای.» پس از دعای او، فوراً دریا آرام شد.

یکی از همراهان پرسید: چگونه به این مقام رسیده‌ای که خدا دعایت را مستجاب کرد؟ گفت: ما برای رضای خدا از خواسته‌های خود گذشتیم؛ پاداشش این است که هر وقت حاجتی به خدای بزرگ عرضه بداریم، به خاطر خواست ما، از خواسته خود صرف نظر کند.^۱

عوامل و موانع اجابت دعا

در اینجا مناسب است به بررسی عوامل اجابت دعا بپردازیم. بدیهی است که معرفی عوامل، موانع پذیرفته‌شدن دعا را نیز روشن می‌سازد. به بیان روایات، همان‌طور که ابر باران‌زاست، دعا نیز اجابت‌آور و مایه قرار می‌باشد: «الدَّعَا كَهْفُ الْأَجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطَرِ»^۲ اگر دعا بر اساس شرایطش تحقق یابد، حتماً مشمول اجابت حق تعالی قرار می‌گیرد؛ «أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»^۳ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ بَابَ الدُّعَاءِ وَيَغْلُقَ عَنْهُ بَابَ الْإِجَابَةِ»^۴ ممکن نیست که خدا باب دعا را بگشاید، اما در اجابت را ببندد.

۱. ابن طاووس، الأمان من أخطار الأسفار، ص ۱۱۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۱.

۳. بقره، آیه ۱۸۶.

۴. ابن فهد حلی، عدة الداعی، ص ۲۳.

البته دعایی به اجابت می‌رسد که شرایط آن مهیا باشد. در ذیل، به بیان عوامل اجابت دعا می‌پردازیم:

۱. اضطراب و قطع امید از غیر خدا

اگر دعاکننده نیازش را با تمام وجود حس کند و ذره‌ای امید به غیر خدا نداشته باشد، مشمول این فرمایش الهی خواهد بود که: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ»^۱ یعنی هنگام اضطراب و عقیم‌ماندن تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها، وقت استجابت دعاست.^۲ زمانی که دعاکننده نیازی واقعی و ضروری دارد و هرچه تلاش کرده، به آن نرسیده و از همه چیز و همه کس ناامید است، دعایش به اجابت می‌رسد.

۲. اعتقاد یقینی به حقانیت اولیای خدا

یکی از عوامل مهم اجابت دعا، اعتقاد به حقانیت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام و واسطه‌های بین خدا و خلق است. بعضی در حق بودن اولیای خدا شک دارند. اینها از نعمت‌های عمومی برخوردارند، ولی دعاهای خاص آنها هرگز اجابت نمی‌شود؛ مانند کسی که در حقانیت امام زمان علیه‌السلام شک دارد.

شخصی از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: ما کسی را می‌بینیم که اهل عبادت و خشوع در دین است، ولی به حق و امامت شما اعتقاد ندارد. آیا اعمالش سودی دارد؟ امام علیه‌السلام برای جواب، داستانی نقل می‌کنند:

«مَثَلُ مَا أَهْلُ بَيْتٍ وَ مَرْدَمٍ، هَمَانِدُ أَنْ خَانِدَانَ بَنِي إِسْرَائِيلَ اسْتَدَتْ كَهُرْكَسَى مِنْهُمْ أَنْهَا كَهْ چهل شب عبادت می‌کرد و پس از آن دعا می‌نمود، اجابت می‌شد. یکی از آنها، چهل شب تهجد داشت و بعد دعا کرد؛ ولی مستجاب نشد. نزد عیسی بن مریم علیه‌السلام آمد و از حال خود شکایت کرد و خواست که برایش دعا کند! عیسی علیه‌السلام تطهیر کرد و نماز خواند و به درگاه خدای بلندمرتبه دعا کرد. وحی آمد: ای عیسی! این بنده به درگاه من آمد؛ ولی از آن دری که باید بیاید، نیامد. او مرا خواند؛ ولی در دلش به تو شک داشت. با این اعتقاد، اگر آن‌قدر سرش را

۱. نمل، آیه ۶۲.

۲. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴۲.

بالا بگیرد و دعا کند که گردش قطع شود و آنقدر دستانش را رو به آسمان بگیرد که انگشتانش خشک شود و بریزد، اجابت نمی‌کنم!

حضرت عیسی علیه السلام به او فرمود: پروردگارت را می‌خوانی و به حق بودن پیغمبرش شک داری؟ عرض کرد: ای روح خدا! به خدا سوگند که آنچه گفتم، درست است. اکنون از خدا بخواه که شک را از دل من ببرد. امام صادق علیه السلام فرمود: عیسی علیه السلام برای او دعا کرد و خدا توبه آن مرد را پذیرفت و مانند خاندان خود، [مستجاب الدعوه] گردید.^۱

۳. عمل به تکالیف و پابندی به عهد با خدا

نکته بسیار مهم و اساسی در دعا، اجابت خواسته‌های خدا و وفاکردن به قرارهایی است که با او گذاشته‌ایم. وقتی دستورات خدا را پیروی نمی‌کنیم، آیا بی‌انصافی نیست که توقع اجابت داشته باشیم؟

جمیل بن ذراج نقل کرده: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: فدایت گردم! خدای متعال می‌فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ ولی ما دعا می‌کنیم و اجابت نمی‌شود؟

فرمود: «لِأَنَّكُمْ لَا تَوْفُونَ لِلَّهِ بِعَهْدِهِ»؛ برای اینکه شما به عهد و پیمانی که با خدا بستید، عمل نمی‌کنید. خدای متعال فرموده: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ»؛ به عهدی که با من بستید عمل کنید، من هم به عهدی که با شما بستم (اجابت دعا)، وفا می‌کنم. بعد امام علیه السلام افزود: «وَاللَّهُ لَوْ وَفَيْتُمْ اللَّهَ لَوْفِي لَكُمْ»؛ قسم به خدا! اگر وفا کنید، او به یقین وفا می‌کند.^۲

۴. جدی بودن و حضور قلب

جدی بودن در دعا و توجه داشتن کامل، خیلی مهم است. بعضی در وقت دعا حواسشان جای دیگر است و از سر عادت کلماتی را بر زبان جاری می‌کنند. این نوع دعا، مستجاب نمی‌شود. علی علیه السلام فرمود: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ»^۳ خداوند، دعای غافل دلان را

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۰۰، ح ۹.

۲. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۲۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲.

اجابت نمی‌کند.» حضرت در ادامه به تلاش و جدی بودن در دعا سفارش کردند.^۱ از امام صادق علیه السلام نیز آمده: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبَلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنُ بِالْإِجَابَةِ»^۲ خدا دعای کسی را که قلبش متوجه او نیست، اجابت نمی‌کند. پس هرگاه خواستی دعا کنی، با تمام قلبت به او روی بیاور؛ آن‌گاه یقین به اجابتش داشته باش.»

۵. توبه از ظلم

آلوده‌دل، اول باید خود را پاکیزه کند تا لایق حضور شود؛ یعنی پیش از دعا، باید توبه کرد تا زمینه اجابت فراهم شود. کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: مگر خدا نمی‌گوید: «أَدْعُونِي أُسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ ولی بیچاره و مضطرب را می‌بینیم که دعا می‌کند، اما جواب نمی‌گیرد و اجابتی رخ نمی‌دهد و یا افرادی را می‌بینیم که مطیع خدا هستند و از او یاری می‌طلبند تا بر دشمن پیروز شوند و چنین نمی‌شود و خدا آنان را یاری نمی‌کند! امام فرمود: «وای بر تو (سخن نسنجیده مگو)! هر که دعا کند، اجابت می‌شود. البته ظالم تا به درگاه خدا توبه نکند، دعایش مردود است اما کسی که لیاقت و حق دعا دارد، هر وقت دعا کند، مستجاب می‌شود.»^۳

۶. نرمی و پاکیزگی قلب

بعضی سنگ‌دل‌اند و به کسی رحم نمی‌کنند؛ ولی از خدا توقع دارند که به آنها رحم کند و دعایشان را جواب دهد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ قَاسٍ وَمَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يَسْمَعْ مِنْهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ»^۴ خداوند عزیز و جلیل، دعای برآمده از قلب قسی را مستجاب نمی‌کند و کسی که در حال خوبش اهل دعا نیست، هنگام بلا و گرفتاری دعایش شنیده نخواهد شد.»

۱. همان.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۲؛ ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۱۳۸.

۳. طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۴۳.

۴. ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۱۳۸.

در داستانی که حضرت در مورد موانع و عوامل اجابت نقل کرده، به عوامل دیگر اجابت اشاره نموده و فرموده است: «كَانَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَدْعُو اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَرْزُقَهُ غُلَامًا ثَلَاثَ سِنِينَ فَلَمَّا رَأَى أَنَّ اللَّهَ لَا يُجِيبُهُ قَالَ يَا رَبُّ أُبْعِدُ أَنَا مِنْكَ فَلَمَّا تَسْمَعُنِي أَمْ قَرِيبٌ فَلَمَّا تَجِيبُنِي فَأَتَاهُ آتٍ فِي مَنَامِهِ قَالَ إِنَّكَ تَدْعُو اللَّهَ مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ بِلِسَانِ بَدِيٍّ وَقَلْبٍ غَاتٍ غَيْرِ نَقِيٍّ وَنِيَّةٍ غَيْرِ صَافِيَةٍ [صَادِقَةٌ] فَاقْلَعْ عَنْ بَدَائِكَ وَاتَّقِ اللَّهَ قَلْبَكَ وَتَحَسَّنْ نِيَّتَكَ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ عَامًا فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ»^۱ مردی از بنی اسرائیل برای اینکه خدا به او پسری دهد، سه سال دعا می‌کرد. وقتی دید خدای تعالی اجابت نمی‌کند، عرضه داشت: خدایا! آیا من از تو دورم که سخن مرا نمی‌شنوی یا من به تو نزدیکم و تو می‌شنوی، ولی اجابت نمی‌کنی؟ کسی در خواب به او گفت: تو سه سال خدا را با زبانی فخاش و دلی گناهکار و قلبی سرکش و نیتی آلوده می‌خواندی! از فحش دست بردار و دل را پاک و نیت را درست کن، [آن‌گاه دعا نما]. او یک سال طبق دستور عمل کرد و خدا به او پسری داد.»

پس، رفع بدزبانی، پیراستن قلب از قساوت، پاک‌کردن نیت، رعایت تقوای الهی و خداترسی، سبب اجابت دعا می‌شود.